

شاهان سکایی هند از ظهور تا سقوط

دکتر فرهنگ خادمی ندوشن

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

و

رسول بابا مرادی

کارشناس ارشد سیستم‌های اطلاعاتی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده:

از اقوام مهاجر سک گروهی در بخش جنوب ایران ساکن گردیدند و در تماس متمادی با حکومت‌های مجاور و ساختار سیاسی آنان دست به تشکیل حکومت زدند. نام اولین شاه سکایی هند، مائوس می‌باشد و در کتیبه‌ها نام او ذکر شده است. جانشینی او را اقوام اشکانی - سکایی ایرانی برعهده داشتند و در منطقه قندهار حکومت می‌کردند.

این مقاله به بررسی ساختار سیاسی شاهان سکایی و جانشینان آنان می‌پردازد و بر آن است تا قلمرو حکومتی آنان را بر اساس مستندات باقی مانده باستان‌شناسی تعیین کند.

واژگان کلیدی: سک، سکایی‌ها، سیحون، جیحون، ماوراءالنهر، اشکانیان، ایران، هند،

مائوس، ونون، ازیز اول، ازلیس، ازیز دوم.

مقدمه:

اقوام مهاجری که در تاریخ آسیایه عنوان سکاها شناخته شده‌اند، در جنوب روسیه

کنونی و آسیای میانه - به همراه دیگر اقوام آسیای مرکزی - پراکنده بوده‌اند و دامنهٔ هجرت آنان در منابع تاریخی به تکرار ذکر گردیده است. آنان در تاریخ جنوب شرق ایران همواره نقش مهمی ایفا کرده‌اند. گروهی از آنان به «سکاهای هند» شهرت دارند. از وضعیت سیاسی سکاهای هند تا قبل از مائوس اطلاعاتی موجود نیست. مائوس اولین پادشاه سکایی بود که به ضرب سکه پرداخت و نام او در کتیبه‌ها یافت شده است. جانشین مائوس، ونون بود. همان‌گونه که از نام او مشخص است، وی شاهی از تبار اشکانیان بوده و برادرزاده‌هایش از طرف او به ضرب سکه پرداخته‌اند و هنوز کتیبه و یا سکه‌ای در قلمرو شاهان سکایی هند یافت نگردیده که نام ونون در آن ذکر گردیده باشد به همین دلیل می‌توان گفت که اسپالیس و اسپالاگادامس - که در منطقهٔ قندهار از طرف او سکه ضرب کرده‌اند - نمایندهٔ او بوده‌اند.

جانشینان وی از خانواده‌های سکایی دیگری بوده‌اند و پیوند آنان با خانوادهٔ ونون نامشخص است. ازیز اول، ازلیس و ازیز دوم به ترتیب جانشینان ونون بوده‌اند. این قوم سکایی وقتی که از سوی گوندفراس، بنیان‌گذار حکومت اشکانی هند، تحت فشار قرار گرفتند، به درون هند عقب‌نشینی کردند و در آنجا ساکن شدند.

موقعیت جغرافیایی:

سکاهای مهاجرانی بودند که هیچ تلاشی برای بنیان‌گذاشتن حکومت سیاسی در زادگاه خود ننمودند. آنان نحوهٔ تشکیل حکومت سیاسی را در برخورد با حکومت‌های مجاور آموختند. در این میان، اقوامی که در درنگیانان ساکن شدند، آنجا را مرکز حکومتی خود قرار دادند و قلمرو سگستان را بنیان گذاشتند. نام استان کنونی سیستان از نام اقوام سکاهای گرفته شده است، البته سکاهای به تمام قلمرو تحت سیطرهٔ خود سگستان می‌گفتند و این قلمرو شامل کشور پاکستان کنونی و بخشی از افغانستان؛ شامل: درنگیانان (سیستان

امروزی)، آراکوزیا، قندهار، بخش سفلی دره سند و پنجاب بوده است.

خاستگاه سکاها:

اسکایتی‌نیا اقوامی هستند که با نام سکاها و یا ساک‌ها توسط مورخین ایرانی و هندی از آن‌ها یاد شده است و قبل از قرن ششم میلادی در مناطق مختلف آسیا مستعمراتی داشته‌اند. کتیبه هخامنشی نقش رستم به سه دودمان سکاها اشاره می‌کند: سکا‌های هوم‌نوش (Homa Varak)، تیزخود (Tigraquada) و آن‌سوی دریا (Tardarya). سکا‌های آن‌سوی دریا (ت‌ردریا) آن‌هایی بودند که در شمال دریای سیاه ساکن بودند و بین رودخانه دانوب و دون زندگی می‌کردند. توماس سکا‌های نوش را همان سکا‌های درنگیانا می‌داند: (Sircar. P.120) بدون شک درنگیانا بوده که بعدها سکستان نامیده شد سکاها در این منطقه به زندگی پرداختند؛ لذا می‌توان گفت سکا‌هایی که در آن‌جا ساکن شدند، احتمالاً بعد از حمله مقدونی‌ها در آن‌جا سکونت گزیدند.

سکا‌های هوم‌نوش را می‌توان با ساکنین جنوب دریاچه هامون در مکران منطبق دانست. در خصوص منقاد شدن این قوم به دیگران، اولین استنادات تاریخی را در مکتوبات دوره هخامنشی می‌توان یافت. سکا‌های مذکور در این مکتوبات همان سکا‌های هوم‌نوش هستند که بعدها مکران را اشغال می‌کنند. آنان در قرن هفتم قبل از میلاد - بنا به استنادات - برای اولین بار به یاری مادها می‌شتابند. سپس استقلال خود را اعلام کرده، ضمن ایجاد روابط خانوادگی، به مدت سه دهه بر قسمتی از غرب ایران حکومت می‌کنند. بعدها زیر نظر مادها همچنان سیطره خود را بر آن مناطق حفظ می‌کنند و احتمالاً در این دوره بوده که عده‌ای از آنان به مکران مهاجرت می‌کنند. درباره سکا‌های تیزخود (سکا‌هایی که کلاه خود آنان مخروطی شکل بوده است) هرودت مسکن آنان را ماورای رودخانه سیحون - و به طور دقیق، ماورای سفید (بخش

امروزی بخارا) و یا سفدیانا - می‌داند. (Sircar, P. 120) اولین اشاره تاریخی به این سکاها را در منابع هخامنشی می‌توان یافت. البته مورخان یونانی اشغال ماورای سفد توسط آنان را تأیید نمی‌کنند و احتمالاً آنان به همراه سفدی‌ها در این منطقه زندگی می‌کرده‌اند.

بنا به منابع یونانی، اسکندر، پس از کشتار نواحی باختری، سفد را تسخیر می‌کند و خاکم سفد، به اتفاق سکاها ساکن در بخش شمالی رودخانه سیحون، در مقابل نیروهای اسکندر به مردم این ناحیه کمک می‌کند. نیروهای مدافع ماورای سیحون در دو سوی سیحون اردو می‌زنند و اسکندر برای متفرق کردن آنان سو نیرو گسیل می‌کند. این امر نشانگر آن است که اقوامی که در دو سوی رودخانه در همسایگی سفدی‌ها زندگی می‌کرده‌اند، سکاها بوده‌اند.

بنا به منابع چینی و تبتی - که از دره یارکند پیدا شده است - حضور سکاها در این ناحیه به اثبات می‌رسد و احتمالاً گروهی از همین سکاها تیزخودی که در حوالی رودخانه جیحون زندگی می‌کرده‌اند، در قرن ششم میلادی به کرمان مهاجرت کردند. همچنین پانینی موردی از استفاده پسوندسکایی کنتا (Kanta) را در نام‌های محلی اوسینا را (Usinara) در منطقه گذرگاه آمبلا و سیملا (واقع در استان پنجاب کنونی هندوستان و هیمآچال پرادش) و بانو (Bannu) در شمال غرب پاکستان پیدا کرده است. (Agrawal, P.72) اسناد نشان می‌دهد که هخامنشیان طوایف هیدراکوس (Hydrakes) و اوکسیدراکیا (Oxydrakia یا Khudrakas) را در خدمت ارتش خود گرفته بودند. اوکسیدراکیا - که در منطقه جنگ (Jhang) زندگی می‌کردند - احتمالاً همان سکاها هستند که در قرن ششم و پنجم ق.م به جنوب غرب آسیا، کرمان، مکران، پنجاب و هیمآچال پرادش هند مهاجرت می‌کنند.

نام قندهار اشاره به اشغال آن محل توسط سکاها دارد و سکاها یکی که در کرمان و

مکران ساکن بودند نیز، بعدها به طرف درنگیانا، آراخوزیا و جنوب غرب افغانستان مهاجرت کردند. سکاهای ماورای جیحون، که توسط یوچی‌ها از مسکن خود رانده شده بودند، از رودخانه سیحون گذشتند و با اشکانیان به مدت یک و نیم قرن در جنگ بودند. این جنگ‌ها در دوره مهرداد اول (۳۸-۱۷۱ ق م)، فرهاد دوم (۱۳۸-۱۲۸ ق م) اردوان دوم (۱۲۳-۱۲۸ ق م) و مهرداد دوم (۸۸-۱۲۳ ق م) بود. احتمالاً سکاهای پس از شکستی که از مهرداد دوم می‌خورند، به طرف دره سند حرکت کردند. البته سکاهایی که با اشکانیان در جنگ دائمی بودند، سکاهایی بودند که در ماورای سیحون زندگی می‌کردند و سپس از آنجا مهاجرت کرده و در مجاورت اشکانیان اسکان گزیده بودند. این سکاهای پس از مرگ اسکندر نیز از ماورای سیحون به خوارزم مهاجرت می‌کردند. حدس دیگری که درباره سکاهای ساکن در دره سیحون وجود دارد، این است که آنان توسط یوچی‌ها از مسکن خود رانده شدند و پس از آنکه نتوانستند به سرزمین‌های باختری (محل سکونت یونانی‌ها) وارد شوند، از راه دره کابل به طرف غرب سرازیر شدند و در مسیر حرکت خود، در جنوب سیستان ساکن شدند ولی، با این همه، بیشتر سکاهای ساکن این سرزمین را همچنان بومی‌های جنوب ایران تشکیل می‌داده‌اند. به استناد مکتوبات ایزدورخاراسکی، سکاهایی که در شهر مین (Min) - که موطن آنان بوده - زندگی می‌کردند، برخی از آن‌ها احتمالاً از همان سکاهایی بودند که از دره سیحون به کیپون (Kipin) آمده بودند و در ارتش اشکانیان خدمت می‌کردند و تحت امر استانداران اشکانی به آریا (هرات) و درنگیانا (سیستان) آمده بودند. در نوشته‌های پریپلیس (۷۸-۷۰ م) به اقوامی اشاره شده است که به لهجه سکایی صحبت می‌کردند و مسکن اصلی آنان مین ناگر (Minnagar) بوده که از آنجا به سمت رودخانه سند مهاجرت کرده بودند. (Sircar, P.121) همچنین، بطلیوس (۶۴۰ م) تأیید می‌کند که ساکنان بخش سفلی سند و سوراشرادر اصل از سکاهایی بوده‌اند که از پنجاب و مکران

به آنجا مهاجرت کرده بودند.

پادشاهان سکایی

- مائوس

مائوس اولین پادشاه سکایی بود که در پاکستان کنونی حکومت کرد. در خصوص زندگی وی اطلاعاتی در دست نیست. وی به همراه سکاها بی که در قرن دوم ق م از درهٔ جیحون مهاجرت کردند، به کیپون مهاجرت کرد و به تابعیت ملل باختری درآمد. (Sastra, P.189) آری از سکاها آسیایی تحت عنوان مائوکوس نام می برد و مائوکوس (Mehakos) و موافونو (Moaphenu) اسامی سکاها اروپایی ای بوده است که سکاها آنجا را رهبری می کرده اند. (Sastra, P.194) قبیله ای از سکاها نیز در آسیا، در ناحیه ای نه چندان دور از باختر و سغد، بوده اند که از متحدین داریوش سوم بودند. (Sircar, P.120)

در منابع چینی آمده است که در ۱۰۲ ق م پادشاهی به نام ماکوا (Maukua) - که در فرغانه مستقر بوده - مورد حملهٔ ارتش چین قرار می گیرد. نام او همانندی بسیاری با نام مائوس (موگاو یا موکی) دارد و این نشان می دهد که وی یک شاه سکایی بوده است.

مائوس سکه هایی از نقره و برنز ضرب کرده است. بر روی سکه های نقره ای عنوان شاه شاهان بزرگ مایوی (Baciluo Baciluo Megaloy Mayoy) و، بر پشت سکه، همان نوشته به زبان کروشتی (Rajatraja Mahatasa Moosa) نقش بسته است. بر روی سکه های مسی او، در کنار این نوشته، نوشته کوچکتزی نیز با نام شاه مایوی (Mayoy Bacilus) و مهارا جاموسا بر پشت سکه به زبان کروشتی نوشته شده است. (Mitchener, P.319) طرح این سکه ها از روی سکه های فیل، سرکادوسوس دمتزیوس اول و آپولو (تریپود آپولودوتس) الگوبرداری شده است. احتمالاً سکه های موسوم به مائوس - که نوشته کمتری از القاب دارند - متعلق به مائوس اول می باشند. مائوس دوم به

نظر می‌رسد که به ضرب سکه با لقب‌های بالاتری پرداخته است. ناراین می‌گوید که مخفف دامی‌بادا (شخصی که در کتیبه شاهدور Shahdour به او اشاره شده است) همان مائوس است. (Naran, P.143) کتیبه شاهدور متعلق به سال ۶۰ ق.م بوده و بر روی آن لقب راجن (Rajan) تحت عنوان دامی‌بادا حک شده است و این کلمه، یک کلمه سکایی است؛ پس کشور اوراسا (Urasa) جزو قلمرو سکاها بوده است. قبل از این کتیبه، کتیبه دیگری نیز در میرا (Mira) (از بخش‌های جهلوم) کشف گردیده است که بر روی آن تاریخ ۵۸ ق.م حک شده است و این تاریخ شاید آغاز حکومت سکاها باشد.

کتیبه دیگری نیز به نام کتیبه ورهه مسی تاکسیلا (Taxila) - متعلق به پاتیکا (Patika) - وجود دارد که سال ۷۸ و دوره حکومت ماهایاسا ماهاموتانا ساموگاسا (Mahayasa Mahalasa Mogasa) را نشان می‌دهد و عموم مورخان بر آنند که این کتیبه به دوران ویکراما (Vikrama) تعلق دارد، اما ناراین این تاریخ را بر اساس گاهشماری یونانیان تفسیر می‌کند و آن را به دوران میناندر منتسب می‌داند که از ۱۵۵ ق.م آغاز می‌گردد و تاریخ تنظیم نوشته‌های آن را ۹۷، ۹۵ و ۷۷ ق.م می‌داند (Naran, P.144) ولی موکرچی به استناد نام ماه سلوکی پانومسا (Panomasa) - که ایشکانیان در سکه‌های خویش از آن استفاده می‌کردند و در این کتیبه نیز آمده است - آغاز عصری را که این کتیبه به آن تعلق دارد، از ۱۷۰ ق.م می‌داند. پس مطابق گفته‌های موکرچی می‌توان گفت که سکاها حکومت خود در منطقه گندهارا و مناطق همجوار آن را در نیمه دوم قرن دوم ق.م بنیاد گذاشته‌اند. اما به نظر می‌رسد تاریخی که بر اساس آن در کتیبه‌های قبلی از سکاها صحبت می‌شود، ۱۶۰ ق.م باشد؛ یعنی زمانی که آن‌ها موطن اصلی خود را ترک کردند؛ بنابراین کتیبه‌های میرا شاهدور و تاکسیلا ظاهراً باید متعلق به ۱۲۰ و ۱۱۰ و ۸۲ ق.م باشند و

ماتوس دوم بر این اساس باید در ربع اول قرن اول ق.م حکومت کرده باشد.

ونون

در هیچ کتیبه‌ای از ونون و همراهان او، که بر مناطق قندهار (آراخوزیا)، بلوچستان (گدروزیا) و سیستان (درنگیانان) حکومت می‌کرده‌اند، نامی برده نشده است. (Rapson, P.517) در تواریخ، ونون را یک شاه اشکانی معرفی کرده‌اند، درحالی‌که نام برادر او، به لحاظ لغوی، به زبان سکایی عهد اشکانی برمی‌گردد؛ و این درست است؛ چون، علی‌رغم اینکه پدر آن‌ها اشکانی بود، اما از یک مادر نبودند. این مسأله و نیز مطالب موجود در کتیبه‌هایی که از آن‌ها سخن رفت، این حدس‌ها را دامن زده است که احتمالاً اشکانیان با سکاهایی که موطن اصلی آنان مکران بوده، روابط خانوادگی برقرار کرده بوده‌اند. احتمالاً ونون، شاه شاهان، شاه اشکانی، بر این مناطق از طریق استاندار حکومت می‌کرده است.

- اسپالیرس و اسپالاکاداموس

جالب آن‌که، ونون هیچ سکه‌ای در هند ضرب نکرد، بلکه حاکم مشترک او، اسپالیرس (به یونانی: اسپالاهورا)، و پسر او، اسپالاکاداما (Spalagadama) از طرف او سکه ضرب کردند. لقب اسپالیرس، باسیلیوس ایدلیفوس اینفادکیوی سوترس‌تری باسیلیون بود. احتمالاً ازیز پسر اسپالیرس بوده است. ازیز در طرح و ضرب سکه از آپولودوت و هیاسترت الگوبرگرفت و از منوگرام‌های آنان اقتباس نمود. (Narain, P.66) همچنین از سکه‌های ماتوس نیز اقتباس کرد. از روی این سکه‌ها درمی‌یابیم که ازیز بر منطقه آراکوزیا، دره کابل، گندهارا و پنجاب حکومت می‌کرده است. احتمالاً عصر ویکرا - که از ۵۷ ق.م آغاز می‌گردد - از وی آغاز شده است. در کتیبه‌ها از وی به نام اجزو (Ajasa) یا ایاسا (Ayasa)

یاد شده است. (Konow, P.251)

-ازیز اول، ازلیس و ازیز دوم

جانشینان ازیز اول، ازلیس (Azilise). و ازیز دوم بوده‌اند. در میان محققین، اسمیت جدید زده است که دو پادشاه با نام ازیز وجود دارد. شاید پدر بزرگ و نوه بزرگ بوده‌اند و بین آنان ازلیس - که فرزند ازیز اول و پدر ازیز دوم بوده - فاصله شده است. هر کدام تا قرن اول میلادی جانشین یکدیگر گردیده‌اند تا اینکه فرس آنان را وادار کرد که از دره هیلمند به پنجاب عقب‌نشینی کنند.

نتیجه‌گیری

اسکیت‌ها - که سک نامیده می‌شده‌اند - قبیله‌ای بودند که در قرن هفتم ق م به طور گسترده پراکنده بودند. در این میان سکاهای دریای سیاه به قلمرو مادها حمله‌ور گردیدند و در اثر شکستی که از مادها خوردند، به طرف کرمان و سیستان رانده شدند و بعدها به نام سکاهای همورگانامیده شدند. در ادوار بعد به درون هند نفوذ کردند و در پنجاب و هیماچال پرادش و گجرات استقرار یافتند. دسته‌ای دیگر از این سکاهای تیگراکوندا نام داشتند - بین سیحون و جیحون و یا ماورای نهر زندگی می‌کردند.

بر اثر فشارهای یوچی‌ها این سکاهای اجباراً به سمت قلمرو اشکانیان مهاجرت کردند و با فرهاد دوم و اردوان دوم جنگ کرده، آنان را به قتل رساندند. آنان بعدها به سوی درنگیان مهاجرت کردند و با دیگر گروه سکاهای مخلوط گردیدند.

در میان سران سکاهای آسیایی، شخصی به نام موکا (نیمه دوم قرن دوم و یا اوایل قرن اول ق م) - که به عنوان متحد داریوش سوم از او یاد شده - در گندهارا و مناطق اطراف آن، به نام مائوس سکه‌های مسی با لقب ساده «پادشاه بنیان‌گذار حکومت سکاهای»

ضرب کرد. مائوس دوم، که بر روی سکه‌ها برای خود لقب «شاه شاهان» می‌نوشت، در سال ۹۲ ق م حکومت داشته و همزمان با او اسپایرس و اسپاگاداموس نیز در آراخوزیا حکومت می‌کردند. اسپایرس را ازیز اول به دامادی مائوس دوم درآورد و بدینسان قلمرو آن‌دو را تصاحب گردید. پس از وی ازلیس و پس از ازلیس نیز ازیز دوم جانشین او شدند. عاقبت شاهان سکایی توسط کوشانیان و اشکانیان به اسارت درآمدند و بدینسان به حکومت آنان پایان داده شد.

منابع و مآخذ:

- Agrawal, V.S. *India as known to fanini*. Lucknow, 1953.
- Konow, S. *Corpus indicarim inscriptium*. V.2. Calcutta, 1929.
- Kumar, s. *Old persian inscriptions of the Achaemeniane Emperor*. calcutta: calcutta University, 1941.
- Mitchener. M. *Oriental Coins and their Values*. London, 1987.
- Mukharjee. B.N. *Central and South Asian documents on the old Saka-Era*. Vavarasi, 1973.
- Narain, A.K. *From Alexander to kanishka*. Vararsal, 1967.
- Rapson, E.j. *Cambridge history of India*, Vol.1. Delhi, 1956.
- Sastra, K.A.N. *Camp history of India*. Calcutta, 1956.
- Sircar, D.C. *The age of imperial unity*. Bombay, 1961.